

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

سیاسی	Political
-------	-----------

ملالی موسی نظام
۱۸، جولای ۲۰۰۸

به جواب مضمون محترم آقای منیر احمد داد جو منتشره سایت آزمون ملی

محترم آقای منیر احمد دادجو، لطفا احترامات خالصانه مرا قبول فرموده و ازینکه آن نیمچه دوستی و کمی هم روابط فامیلی سبب گردیده که شما در مضمونتان نام مستعار داشته باشید، من کاملا موافقم. چون میدانید که این انگشت گذارنیکه شما را به مقابل من قرار مید هد گرچه خاصیت عالی ای آزادی فکر و بیان است، گاهی اسباب استفادۀ جوئی افراط گرایان و فرصت طلبان را سبب خواهد گردید. بهر حال، ازینکه من و شما نظریات مشابهی در قسمت عصر داود شاهی داشته ائیم، بر حکم تصادف نبوده بلکه به تائید ما و شما شاهدان عینی و به حکم تاریخ که بر واقعات مبرهن استوار است، چنان بوده که تذکر داده ائید و نوشته ام.

در مورد «بعضی» از نوشته های من که به گمان شما از روی احساسات و از موضع يك ناسیونالیست «افراطی؟» نوشته شده است، گمان نکنم که شما یا کسی دیگری بتواند که چنین ادعایی را به اثبات برساند، چون من با تمام ناسیونالیست ها، چه افراطی و چه میانه رو، در مبارزه و کشمکش هستم. درین مورد شما میتوانید به

مضامین من در سایت افغان، جرمن آنلاین مراجعه نموده و درآینده هم درهمین سایت ملی گرای افغانستان آزاد، باز هم نظری ببیندازید. شما همچنان میتوانید به جرائد و مجلاتی از قبیل درد دل افغان، آئینه افغانستان، افغان رساله، دعوت، افغان ملی تولنه و بعضی های دیگر که خودشان مضامین اینجانب را اقبال نشر میدهند، مراجعه نمائید.

آزردگی شما در مورد مثال های تاریخی ای من بیک شخصیت بخصوص نباید سبب این بگردد که لقب «فاشیست» را بمن بدهید. فاشیست ها انسان های خود خواه، مریض و بی انصاف هستند که حق انسانی ای را که برای خود قائل اند، از دیگران میدزدند.

خواهرانه به شما باید اظهار نمایم که در مورد هر ادعایی باید اثباتی میسر باشد، وگرنه کنجکاوای مردم سبب قضاوت عمیق تر و جدی تر آنان گشته و خدای نکرده ادعای شما را طرف گیری و غیر موجه جلوه میدهد. من و اشخاصی مانند من، به یاری خداوند متعال، هرگز به لحاف بیماران تفرقه انداز قابل ترحم نمیتوانیم ببیچیم که با اسلحه ضعیف و وارداتی مذبحانه درحال جنگ با اقوام بهم برابری که درمجموع ملت مظلوم افغان را تشکیل میدهند، درجدال اند! درین مقطع حساس تاریخ افغانستان جنگ زده ویران که بالای تفرقه اندازی و اسم گذاری بر اقوامی که به حکم قانون دارای حقوق و وجائب مساوی هستند و به حکم همان قانون «۱» يك ملت متحد را به نام پر افتخار «افغان» تشکیل میدهند، حکم زهر پاشی کشنده و خطر ناکی را دارد که کمترین ضرر آن خونباران هرچه بیشتر مردم مظلوم ما میباشد.

بنا بران به اطلاع شما میرسانم که قلم من صرف در راه صلح، وحدت ملی، حقوق بشر، علی الخصوص حقوق پامال شده زن مظلوم و بی دفاع «افغان» حرکت مینماید. در غیر آن هرزمانیکه این قلم را یارای طرف گیری ظالمانه ازین قوم و آن گروه گردید، قلم خائن شکسته و صاحب آن سزاوار مذمت و ملامتی ای میباشد که تفرقه اندازان از خدا و بشریت بی خبر باید به آن برسند!

در قسمت مضمون « وزیر خارجه پولند و گلبدین حکمتیار » ، برادر عزیزم، خوب است که در مورد حکمتیار، من ببرسم که شما چطور وقتاً فوقتاً از وی که با تبادلۀ راکت «۲» با جناح احمد شاه مسعود که تخمیناً در حدود ۵۰۰۰ تائی آن با عملیات طرفین بر شهر کابل و مردمان بی دفاع آن که خانه و کاشانه آنان به حیث میدان جنگ استعمال گردید، با قدرمندی یاد میکنند؟؟ من به این عقیده شما موافق هستم که جنایتکار همیشه جنایتکار بوده و قابل بازخواست میباشد. خداوند روزی را بر ملت بی دفاع و مظلوم افغان بیاورد که جنایتکاران از هر قوم و قبیله که باشند، در محاکم ملی و بین المللی مورد بازخواست و عدل خداوندی قرار بگیرند، که یکی هم در پهلوی بقیه ویران گران پایتخت، همین گلبدین حکمتیار است، تا خون ۶۵ هزار مردم بی دفاع کابل و ویرانی این شهر زیبا ی چند هزاره ساله « اندکی» تلافی گردیده باشد.

حال میرویم بر موضوع سوء تفاهم استثنائی شما در قسمت مضمون فوق. انتقاد من از وزیر خارجه يك مملکت اجنبی در قسمت به محكمه کشیدن يك نفر « افغان » کاملاً جنبه حقوقی داشته است که به سادگی و روشنی تحریر گردیده است، چون حاکمیت دولتی هیچ مملکتی بروی کره ارض این حق را به يك خارجی نمیدهد که محكمه یکی از تابعین او را از حکومت مربوطه درخواست نماید. فرقی نمیباشد که این تبعه حکمتیار باشد که در عصر خونباران حکومت ربانی مکار به عملیه راکت پرانی ای که در بالا ذکر گردید، اشتغال داشت یا طرف وی که مقابله بالمثل مینمود یا ربانی و سیاف قانونی و امثال هم. بگمانم موضوع حقوقی ئی مسئله را شما برادر عزیز متوجه نگردیده ائید، خوب است یکبار دیگر مضمون را مطالعه نمایند. البته موضوع محاکم بین المللی در مورد بازخواست نا قضین حقوق بشر و جلب آنان مثلاً در محكمه بین المللی « هاگ » که آرزوی من و شما و ملت مظلوم و بی دفاع افغانستان همیشه خواهد بود، شکل دیگری دارد. به امید آئروز !!

برادر معزز و محترم، جائی مینویسید که قهرمان نامیدن رسمی ای «؟!» احمد شاه مسعود مواضع نوشته مرا زیر تاثیر قرار میدهد و اضافه نموده ائید که درین زمانی که مملکت در اشغال چهل دولت خارجی و نیرو های امریکائی قرار دارد، چرا موضوع قهرمانی نامبرده قابل تشویش میباشد؟؟ اشاره شما به این موضوع مرا تا ابد مدیون شما برادر محترم میسازد. اولاً موجودیت اینهمه عسکر خارجی و اشتباهات مدّش آنان و مداخلات همسایگان غدار افغانستان که تا الان فائده ای به جز از کشتن بیگناهان و بی خانمانی میلیون ها هموطن بی گناه و بی دفاع ما در سر تا سر کشور، مخصوصاً در مناطق جنوب و جنوب غرب گردیده است، هیچ مفید یتی بحال جامعه افغانی نداشته است و ارتباطی هم به قهرمانی احمد شاه مسعود و دیگران ندارد. این را بدانید که من هرگز و هیچگونه دشمنی ای با احمد شاه مسعود و همه آنانی که به حکم واقعیت های تاریخ با وضاحت و روشنی ای کامل، قدم هائی را از زمان همان عصر سردار محمد داود مرحوم تا همین دم برای خم و پیچ دادن مقدرات افغانستان عزیز برداشته اند، ندارم..... ولی ، اما و مگر بار ها نوشته ام و تا پایان کار من با مطبوعات افغانی خواهم نوشت که من با همه آنانی که به حکم تاریخ و اثبات میرهن وقایع و حوادث تاریخی ای که درین سه دهه اخیر، در سرنوشت مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان مطرح بوده اند، در افشای کارنامه های مثبت و منفی ای آنان با وجدان راحت و اتکا به اسناد و مدارك معتبر که مجموع آنها، تاریخ واقعی ای ملت افغان را رقم میزند، ارتباط خواهم داشت. فرقی نمیکند که این عمل نامه های مثبت و منفی از هر قوم افغان اعم از اقوام پشتون، تاجک، ازبک ، هزاره یا هر گروه دیگر ملت شریف و حق دار این سرزمین باشد، کار نامه های آنان بهر حال جزء تاریخ مملکت میگردد و تاریخ نسل موجوده و آینده را با امانت داری ثبت مینماید.

برادر عزیز، شما در اولین مرحله سلام و علیکی مطبوعاتی من با شما ، همان طوریکه نوشته ائید، بسیار عجولانه مهمترین و مفصلترین موضوعات ملی و حقوقی مردم ما را بصورت پراکنده، مطرح نموده ائید، لطفاً توقع نداشته باشید که من به چند سطری آن موضوعات حیاتی ملت را باشما درین مختصر بگنجانم.... گهی از افغانستانی میگوئید و ته بنای فدرالیزم و تجزیه مملکت را حتی در سفسطه های لطیف پدرام فروخته شده، درین مرحله آشوب و سرسامی ملی متوجه نمیشوید و زمانی انگشت به موضوع حساس ایرانی سازی لسان معتبر و اصیل دری افغانستان میگذارید. آخر به من فرصت نفس کشیدن بدهید که من همه را به یاری خداوند متعال در آینده، چون آئینه ای برای شما و خوانندگان روشن نمایم.

برادر محترم، لسان مادری هردوی ما، دری شریف و اصیل افغانستان است، چون در کابل کلان شده ائیم... من به مرد سالاری عقیده مند نمیباشم... ما هردو پدرانی از قوم پشتون « برای من بسیار مشکل است که بگویم والدین من از کدام قوم بوده اند، چون من صرف افتخار افغان بودن را از گهواره تا گور خواهم داشت » و مادرانی از قوم گویا تاجک یا عرب دری زبان داشته ائیم که در همسایگی هم بزرگ شده اند. اینکه هرود به زبان های ملی ای رسمی و برانده افغانستان صحبت مینمائیم، امتیاز و افتخار ماست!

حال میرویم سر يك موضوع مهم که شما برادر عزیز « همیشه » به آن حساس بوده ائید، یعنی موضوع علاقمندی شما به احمد شاه مسعود، یکی از قومندانان جهادی از جبهه پنجشیر! اینکه شما به کدام گروپ و گروه تعلق داشتید، برعکس آن خانم وکیلۀ چل چله باز که در تلوزیون آقای خطاب به شما اهانت نمود، من با مراعات حقوق بشر، آزادی های فکر و عقیده، به شما و هر کس دیگر حق میدهم که به هر گروه و گروپی که میل دارید با قضاوتی که راهنمای سالم ما انسان ها باید باشد، متعلق باشید. اما و ولی این احمد شاه مسعود که اسم او نقطه عطف شماست

« من قبل ازین مضمون عجولانه شما، با دوستان خردمند، تبصره نمودم که شاید يك سطر در مضمون ۲۶ سرطان به مزاج شما سازگار نیافتد، که نیفتید »، در حقیقت انسان بی پناه و هر دم شهیدی است. از یکطرف با اینهمه جای پای طولانی و تاریخ سازی که حتی تا عصر مرحوم محمد داود که در اقدام به کودتای ناقصی با همراهی حکمتیار، ادامه می یابد، یگانه فردی است که اینهمه راجع به او گفته و نوشته میشود، از جانب دیگر با محدود هوا خواهانی که دارد و بیشتر از همین شورای نظاریانی است که وی خود پروریده و اکثراً مناصب بالای عسکری و ملکی و پارلمانی در اختیار شان قرار دارد، میبینیم تا امروز حتی احد من الناس، به شمول شما برادر عالیقدر، هیچگاهی نکوشیده ائید که اینهمه راپورهای منتشر شده از منابع معتبر دولتی روس و امریکا « بعد از ختم جنگ سرد و سقوط شوروی، آرشیف های روسیه و امریکا اسرار نظامی و جاسوسی خود ها را افشا نمودند، حتی مامورین سی آی ای، اجازه نوشتن خاطرات خویش را بدست آوردند که يك نمونه آن همین کتاب مشهور جنگ های ارواح اثر ستیو کول میباشد» از دهه هشتاد و دهه نود، اینهمه کتاب تاریخ و یاد داشت های شاهدان عینی اعم از ژورنالیستان، مامورین ملکی و عسکری ادوار مختلفه بالاخره خاطرات مردم مملکت ما از جنگ های تنظیمی و واقعه قتل عام افشار که ثبت تاریخ و موسسات خبریه بینالمللی میباشد، هیچ مضمونی، دفاعیه ای، تحقیقی، و بالاخره تردیدی را عرضه نمائید!! حتی همین شما در افشای حادثه واقعی قتل مسعود بیچاره که بصورت مستند در وید یوی خاص محترم مسعود خلیلی با مصاحبه وی، یکجا باخبر نگار فرانسوی در یو تیوب موجود است، هیچ سهم و حصه ای نگرفته ائید، آخر بحیث يك هوا خواه، کمال بی اعتنائی را درین مورد بخرچ دادید. باور فرمائید که هنوز امید یان و بعضی های دیگر اصرار دارند که کمره « سالم مانده » عکاس عرب احمد شاه مسعود بی چاره رابه قتل رسانید.

اینجانب و گروپ دوستان فرهنگی ما هیچ قهرمان و هیرویی به جز از ملت مظلوم، محروم و جنگ دیده افغان نداریم، وگر ما مثل شما قهرمان دیگری که میداشتیم، قلم برداشته و صدا بلند مینمودیم که های بروس ریچارد سن «۳» ستیو کول، گاری شرون، راپور نویسان کی، جی، بی، و سی، آی، آی، مورخین و بالاخره ای مردم داغ دیده و عزیز از دست داده کابل و ساکنین افشار «۴» که اکثراً از اقلیت شریف هزاره ما میباشند و همه، به این دلایل مبرهن تاریخی و اسناد قبول گشته و راپور های مستند در دست داشته ما، شما کاملاً در اشتباه بوده و بر قهرمان ما تهمت میکیند و از تاریخ، تاریخ متفاوتی میسازید... درین مورد گفته میشود که شاید سکوت و بی تفاوتی شما علامه رضا باشد.

بباید طور نمونه، شما به حیث یک مطبوعاتی ای وفادار که ازین جهت قابل قدر هستید، دست و آستین بالا بزنید و اقل از چند تا راپور محدود و چند تاکتاب های معتبر مطلع گشته و ادعا های آنانرا رد نموده و به ولی نعمت تان حلف وفاداری ادا نمائید. مثلاً اگر بر کتاب ارزشمند داکتر سید عبد الله کاظم تا بحال صحه نگذاشته اید، آخرین کتاب بروس ریچاردسن ژورنالیست افغانستان شناس که از دهه ۸۰ میلادیکه شوروی متجاوز و خائنین خلق و پرچم مملکت را برباد دادند، تا امروز در حال نوشتن و مطالعه در باره احوال افغانستان، با استفاده از چشم دید خود و بیشمار مدارک و اسناد معتبر و مورخین و اشخاص شناخته شده و خبره افغان و خارجی در مورد جریانات و حوادث مملکت ما میباشد، استفاده نمائید و اقل بر قسمتی که بنام « فصل مسعود » یاد میگردد، با ترجمانی ای اینجانب، دفاعیه ای مبسوطی نوشته و دین تان را به آن شخصیت مورد عقیده تان ادا نمائید!!

در خاتمه يك توصیه ای دوستانه و خواهرانه هم دارم و آن اینست که به شما و هر فرد افغان لازم است که ترجمه عالی و عام فهم « راپور دادخواهی افغانستان » را که از جانب يك کمیته بیطرف به اشتراك تعداد زیادی از حقوقدانان خارجی و افغان از حوادثی که بر ملت افغان از سال ۱۹۷۹ الی ۱۹۹۶ واقع گردیده است، تهیه شده است، بدست آورده و بی طرفانه مطالعه نمائید. این راپور به مصرف ملیون ها دلار از جانب همین کمیته هالندی به اشتراك ۶۰۰۰ نفر از شاهدان عینی، در سر تاسر افغانستان، با موجودیت ترجمانان محلی در هر لسان، با امانت داری زیادی به چندین زبان، منجمله پشتو و دری به نشر رسیده است. این راپور عالی هم چنان توسط دانشمند خبره افغان، داکتر سید عبدالله کاظم ترجمه گردیده و دو بار به نشر رسیده است www.Afghanistanjusticeproject.org.

در همکاری با شما، من حاضرم بر موضوعات ملی ای مورد سوال شما در باره لسان ارزشمند و اصیل دری افغانستان و تغیر اسم افتخار آمیز قسمتی از ملت واحد افغان به افغانستانی، در آینده اشتراك نمایم. امیدوارم احترامات مرا به مادر عزیز و مامای عالیقدرتان رسانیده، بر ممنونیت من بیفزائید.

نوت :

۱- نظر به قانون اساسی ۲۰۰۳ میلادی، ۱۳۸۲ هجری شمسی، تمام اقوام افغانستان، ملت با شهامت افغان را تشکیل میدهند:

ملت افغان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سائر اقوام میباشد. فصل اول، ماده چهارم.

۲- جریان جنگ های گلبدین، مسعود و دوستم از شروع ۱۹ اسد ۱۳۷۱ که در اثر آن ۵۰۰۰ راکت بین قوای طرفین تبادل گردید صفحه ۴۱۱. زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد. داکتر سید عبدالله کاظم.

۳- کتاب جدید بروس ریچاردسن، بنام : AFGHANISTAN : A SEARCH FOR TRUTH

چاپ موسسه افغان رساله، کانادا.

مقدمه کتاب « جنگ های ارواح » اثر ستیو کول را در همین سایت با ترجمه میرمن لیلی رشتیا عنایت سراج مطالعه نمایید.

۴- قتل عام افشار که دران با بردن توپخانه بالای کوه تلوزیون توسط مسعود، مناطق افشار، جمال مینه، کارته سه و اطراف سیلو بتاریخ ۲۲ تا ۲۳ ماه دلو ۱۳۷۱ بمبارد گردیدند و عساکر دولتی بعد از آن در خانه مردم افشار و اطراف آن داخل گردیدند. زنان افغان زیر تاثیر عنعنه و تجدد صفحه ۲۱۳. داکتر سید عبدالله کاظم.